

## خبر

رئیس‌جمهور:

## عرضه ارز صادرکنندگان به بازار نوسانات را کنترل می‌کند

● ایستنا: رئیس‌جمهور در جلسه ستاد اقتصادی دولت، مدیریت بازار سرمایه و افزایش عرضه‌های اولیه را اقدامی اصولی و دقیق برای ایجاد ثبات، توسعه و رونق‌بخشی به بازارهای مالی و اقتصاد کشور دانست.

حسن روحانی با بیان اینکه این اقدام دولت مورد استقبال نخبگان، فعالان اقتصادی و مردم قرار گرفت، گفت: در این مسئله دو نکته حائز اهمیت ویژه است که اولین نکته، رویه‌سازی و تداوم جدی عرضه سهام بنگاه‌های بزرگ و متوسط به‌ویژه بنگاه‌های دولتی در بورس با یک برنامه و طرح دقیق برای مردم‌محورشدن اقتصاد کشور و خروج جدی دولت از بنگاه‌داری، شفافیت‌بخشی به اقتصاد و تولید کشور است که رونق، پویایی و فسادزدایی جدی را در پی خواهد داشت.

او افزود: نظارت دقیق بر بازار سهام و متعادل‌سازی عرضه و تقاضای سهام در بورس و رشد منطقی سهام از طریق تسهیل پذیرش و رفع موانع حقوقی پذیره‌نویسی‌ها و صندوق پروژه نکته مهم دوم است که باید به دقت مدنظر قرار گیرد.

روحانی گفت: از عوامل مهمی که می‌تواند نوسانات را کنترل کند، عرضه ارز صادرکنندگان به بازار است. دولت با تفکیک کسانی که به قصد سوداگری و منفعت‌طلبی از عرضه ارز حاصل از صادرات در موعد مقرر و طبق ضوابط خودداری کرده‌اند، با همکاری مراجع قضائی این افراد را مورد پیگرد قرار خواهد داد و درعین‌حال برای کسانی که در موعد مقرر به تعهد خود عمل می‌کنند، مشوق‌ها و امتیازات ویژه در نظر خواهد گرفت.

**سخنگوی دولت:**

## اظهارات سیف برداشت شخصی است

● ایستنا: سخنگوی دولت در نشست خبری روز گذشته خود درباره قرارداد ۲۵ساله با دولت چین، گفت: در این زمینه هیچ چیز محرمانه و مخفیانه‌ای وجود ندارد و در سفر گذشته وزیر امور خارجه به چین هم مطرح شده بود و در دیدار رئیس‌جمهوری این کشور با رهبری نیز این موضوع طرح شده بود و هر زمان که توافقی در این زمینه به دست آید، همان زمان هم اعلام می‌شود.

علی ربیعی افزود: اساسا تقسیم‌بندی غرب و شرق در سیاست خارجی ما جایگاهی ندارد و جمهوری اسلامی در این زمینه خود را محدود نمی‌کند و آماده همکاری با همه کشورهاست و محدودیت ما در این زمینه محدود به رژیم صهیونیستی و تحریم‌گران است.
حاضریم با هر کشوری که حاضر به مشارکت بلندمدت و در راستای اعتماد متقابل هستند، این تجربه را تکرار کنیم و تاکنون هیچ قراردادی برای واگذاری زمین و بندر و از این جنس شایعات نداشته‌ایم.

او همچنین درباره اظهارات رئیس کل پیشین بانک مرکزی گفت: آقای سیف در دوره خود تلاش‌های درخورتوجهی داشتند و اعضای هیئت دولت در دفاع و حمایت از ایشان حتی یکپارچه نامه‌نگاری کردند و درباره مطالب منتشرشده بهتر است از خود ایشان سؤال کنید؛ اما فشارهای وارده بر او را می‌فهمم و برای من قابل درک است.

درعین‌حال بسیاری از نکاتی که ایشان مطرح کرد، شخصی بوده و اعضای جلسه اظهارات او را درست نمی‌دانند. سطح تصمیم‌گیری هیئت دولت سیاست‌گذاری و سیاست است و چگونگی اجرای آن، برعهده دستگاه‌هاست. به‌هرحال نکاتی که ایشان گفتند، برداشت‌های خودشان بوده است.

## سمیه محمودی حرفش را پس گرفت

● شرق: سمیه محمودی، نماینده شهرضا، حرفش را پس گرفت. او در مصاحبه‌ای به انتقاد از نگاه مجلس یازدهم به زنان پرداخته و تاکید کرده بود میلی برای حضور زنان در هیئت‌رئیسه مجلس و کمیسسیون‌ها وجود نداشته و حتی هیئتیی در مجلس به زنان گفته‌اند که زن باید بچه‌دار کند.

اما او روز گذشته در توییتی نوشت که خبری با عنوان «افشاگری یک نماینده زن علیه هیئت‌رئیسه مجلس» به نقل از این‌جانب منتشر شده که ضمن تکذیب خبر منتشرشده از خبرنگاران عزیز و پرتلاش رسانه‌های داخلی می‌خواهم در نگارش و انعکاس اخبار با دقت و ظرافت بیشتری عمل کنند.

بنا بر آنچه باشگاه خبرنگاران منتشر کرده، سمیه محمودی، با انتشار نامه‌ای به هیئت‌رئیسه مجلس نقل‌قولی که از طرف او با این عنوان که «هیئت‌رئیسه مجلس به نمایندگان زن گفته است زنان باید بچه‌داری کنند» را تکذیب کرد.



علیرضا غریب‌دوست

دکتر عباس آخوندی که پس از دوران وزارت در دولت دوازدهم به جایگاه علمی خود در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بازگشته است، در بررسی تحولات و وقایع دهه گذشته، برخلاف دیگر تحلیل‌گران از بررسی و ورود مصداقی به موضوعات پرهیز کرده و مجموع تحولات دهه گذشته و حتی ۴۰ سال اخیر را متأثر از بحران ناکارآمدی و بحران سیاست‌گذاری می‌داند. وی بر این باور است که چالش عبور از سنت به سوی مدرنیته در حوزه تمدنی ایرانی، از پیش از انقلاب مشروطه تا امروز حل‌نشده باقی مانده و همه مشکلات ناشی از این وقایع و تحولات با اصلاح رویکرد کلان ملی و بازگشت به آنچه او «ایده ایران» می‌نامد، قابل حل است. چندان خوش‌بین به آینده در کوتاه‌مدت نیست، اما باور دارد در بلندمدت، ایران دچار تحولی بزرگ خواهد شد.

**ک**امحور اصلی این گفت‌وگو بررسی تحولات دهه گذشته ایران از منظر سیاسی واجتماعی است، با این رویکرد که کدام مسائل اصلی نیازمند تحول در دهه گذشته وجود داشته که یک بشار فرصت بهره‌برداری از آنها از دست رفته است و دیگر نباید چنین فرصتی را برای تحول و توسعه جامعه از دست داد؛ چراکه ممکن است فرصت بحران آنها را دیگر نداشته باشیم. با مرور فهرست بزرگی که شامل تیتز تحولات ایران از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ است – همچون چالش انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم و تبعات بعدی آن، انعقاد توافق‌نامه برجام و لغو قطع‌نامه‌های سازمان ملل علیه ایران، پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و خروج آمریکا از برجام و آغاز فشارهای گسترده و تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران، اعتراضات گسترده در دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸، همین‌طور ترو حراج قاسم سلیمانی و حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد آمریکا، تصفید قرارگرفتن هواپیمای اوکراینی توسط پادفند هوایی کشور، عدم تصویب لایح سی‌اف‌تی و پارمو و قرارگرفتن ایران در لیست سیاه FATF، پیروزی اصولگرایان در انتخابات یازدهمین دوره مجلس، شیوع گسترده بیماری کرونا در کشور و توقف اکثر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و قرنطینه خانگی، کاهش بی‌سابقه تولید و فروش نفت ایران و کاهش جهانی قیمت نفت – نمونه‌هایی از تحولات و وقایع یک دهه گذشته است. تحلیل شما از این وقایع و تحولات چیست؟ کدام یک را جدی‌تر و واجد بررسی تحلیلی می‌دانیم؟

بسیار متنشکر و ان‌شاءالله که گفت‌وگوی مؤثری داشته باشیم. اما مواردی را که به تفصیل اشاره کردید نمی‌توان مورد به مورد در این فرصت بررسی کرد، با این‌حال آنچه قابل ذکر است، مجموعه این تحولات معلول هستند و نه علت. اینها نمودهای بی‌ثباتی در حوزه سیاست‌گذاری در ایران هستند و نشان‌دهنده بحران امتناع سیاست‌ورزی و سیاست‌گذاری و ناکارآمدی سیستم مدیریت در کشور. البته، رویکرد من رویکرد تحلیل تمدنی است و از منظر تمدن به این مسئله‌های بنیادین نگاه می‌کنم. نه صرفا از نظر تحلیل سیاسی.

ما در ایران با سه بحران دست‌وپنجه نرم می‌کنیم:

۱- بحران رواداری ۲- بحران مبادله آزاد ۳- بحران امتناع سیاست‌ورزی ملی. ریشه اصلی این سه بحران، موضوعی پیچیده‌تر از مسائل جاری است. به گمانم ریشه در این دارد که ما ارتباطمان را با آموزه‌ها و یافته‌های تمدنی ایران قطع کرده‌ایم. من ریشه اصلی این بحران‌ها را در اینجا می‌بینم.

از نظر من تمدن حاصل دو عنصر بنیادین است. اولین عنصر، انباشت معرفتی در درون یک حوزه تمدنی است، و دومین عنصر نظم اجتماعی شکل‌گرفته بر فراز زمان و مکان است. درباره نظم معرفتی که آن را در قالب پیچیدگی‌های نظام معرفتی شرق و غرب می‌توان ملاحظه کرد. نظام معرفتی که ما به آن ایمان داشتیم مبتنی است بر توحید و ایمان به غیب و قبول نوعی نظم طبیعی که مبتنی بر یک وجود یگانه است. این طبیعت بی‌جان و بی‌روح نیست و درافرادن با این نظم طبیعی منجر به ایجاد نابهنجاری‌های گسترده و عدم امکان ادامه حیات مادی و اجتماعی می‌شود. البته این نظام معرفتی در طول تاریخ لزوما همواره ایستا نبوده و دچار دگرگونی‌هایی شده است، ولی تاکنون روح توحیدی و ایمان به غیب پیش از اسلام سیر و تحولاتی داشته و بعد از اسلام هم یک موقعیتی داشته، اما نکته بسیار مهمی که وجود دارد، این است که در رویارویی با اسلام دچار تعارض بنیادین نشده، زیرا هر دوی آنها مبتنی بر توحید و ایمان به غیب بوده‌اند. اما این نظام معرفتی در رویارویی با مدرنیته و دنیای جدید دچار چالش بنیادین

## سیاست

گفت‌وگو با عباس آخوندی

# بحران سیاست‌ورزی



عباس آخوندی، روزبه فولادی، میزان

سختی به سر می‌برد.

**ک**اگر با این رویکرد وارد بحث بشویم، پس باید گفت که تحلیل یک دهه گذشته هیچ کمکی به ما نخواهد کرد!

حتما کمک خواهد کرد. مهم این است که چگونه و با چه منطق و رویکردی آن را ارزیابی کنیم. به گمان من، تحولات این سده یا با شدت بیشتر این یک دهه، نمایانگر بی‌ثباتی‌ها، ناکارآمدی‌ها و بحران‌های سیاست‌گذاری است که در قالب تحولات و وقایع رخ داده، ولی ریشه در چیزی دارد که من نامش را بحران هویت و تمدن می‌گذارم.

**ک**ایسن بحثی است که پیش از انقلاب مشروطه هم وجود داشته و با مشروطه ظهور یافته، یعنی مسئله تعارضات میان سنت و مدرنیسم را در انقلاب مشروطه می‌بینیم که به ادعای برخی استادان از آن به عنوان انقلاب عقیم یا انقلاب ناکام نام می‌برند، به نظر شما کماکان این وضعیت ادامه تراژدی مشروطه و مشروطه‌خواهی است؟

حتی به نظر من به قبل از آن و به دوره صفویه برمی‌گردد. شما حوزه تمدنی بزرگی مثل ایران را در نظر بگیرید؛ حوزه‌ای که در آن ادیان و اقوام مختلف به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کردند. چه الگوها و شاخصه‌هایی می‌توانست چنین حوزه تمدنی را اداره کند؟ من معتقدم یکی از مؤلفه‌های اصلی آن «رواداری» است که بسیار گسترده بوده و این تمدن بر مبنای «رواداری» در سیاست داخلی کشور اداره می‌شده است. منشور کوروش، سند «رواداری» است.

اما در دوران صفویه اولین چیزی که دچار چالش جدی می‌شود، اتفاق همین رویکرد «رواداری» است. هرچند تلاش سلاطین صفویه در عمل تا حد زیادی مبتنی بر «رواداری» بوده مثل بحث سکونت ارامنه در جلفای اصفهان یا اولین ارتباطات را با غرب آنها برقرار می‌کنند، ولی مبنای مشروعیت خودشان را «نارواداری» می‌گذارند نه «رواداری». در دوران صفویه کماکان دو

به شکل جدی‌تری مطرح می‌شود، زیرا در مشروطه، نوگرایی وارد ایران می‌شود، هم به صورت لیبرال و هم در وجه سوسیالیستی آن؛ ولی مشکل این است که هردوی آنها تا حد زیادی نسبت به هویت ایرانی بی‌توجه‌اند، البته سوسیالیست‌ها بیشتر. یعنی فهم تاریخی از پدیدار تاریخی تمدن ایرانی در دوران مشروطه در ضعیف‌ترین جایگاه خود قرار می‌گیرد. چپ‌ها که از اول انترناسیونال بودند و به اتحاد طبقه کارگر در سراسر جهان باور داشتند و اصلا تمدن و هویت ایرانی جایگاهی در تفکر آنها نداشته، لیبرال‌ها هم بیشتر به دنبال ایجاد ملتی جدید بودند بر مبنای گذاری حکمرانی ملی با توجه به دنیای امروز. قصد نقد و بررسی تحولات مشروطه را ندارم. اما نکته من روی کم‌توجهی آنها به پدیدار تاریخی تمدنی است. بنابراین خیلی سریع رهبری مشروطه که تا حد زیادی در اختیار روحانیان بود، با روشن‌شدن پیام‌های بنیادین دولت – ملت مدرن، امکان مبادله نمی‌یابد و مجبور به عزلت‌گزینی یا مقابله می‌شوند.

نکته دوم در سیاست تمدنی ایران، مبادله آزاد است. مبادله حداکثری، به این مفهوم که ایران چهارراه مبادله شرق و غرب و شمال و جنوب بوده است. ازاین‌رو هیچ وقت نمی‌توان گفت که تمدن ایران از هند و یونان و چین متأثر نبوده است. اساسا این تمدن بر مبنای مبادله بنیان گذاشته شد؛ یعنی تمدنی است که خودش می‌گوید من چهارراه مبادلات جهان‌ام. پس شما یک شاخص دیگری در حوزه تمدنی ایران دارید. مشخصه‌ای که مبادله را مینا قرار می‌دهد و هویتی را شکل می‌دهد که متصلب نیست و خودش را به صورت پویا باتعریف می‌کند و با جهان سازگار می‌نماید. این هم یکی دیگر از ویژگی‌های تمدن ایران است. در دوره مورد مثال شما، در این ۱۰ سال چه اتفاقی در ایران رخ داد؟ اتخاذ سیاست ضد مبادله. بستن درها. ایران تبدیل به چهارراهی شد که چهار طرف آن بسته است. در عین حال می‌گوید که من مرکز مبادلات سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و امنیتی منطقه هستم. اما در واقع شکل‌گیری بنیان امتناع را نشان می‌دهد! تمدن ایران و آینده ایران بر پایه مبادله و رواداری بنیاد گذشته شده است. اگر اینها را از ایران بگیریم دیگر «ایران»، ایران نیست.

**ک**با ایسن توصیف، شما معتقدید که تمدن ایرانی همواره در طول تاریخ مبتنی بر دو سیاست و رویکرد «رواداری» در سیاست‌گذاری داخلی و «مبادلات حداکثری» در امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در حوزه سیاست‌گذاری خارجی بوده و اگر این شاخصه اصلی را از هویت تمدنی ایرانی حذف کنیم و در نظر بگیریم، آنچه باقی می‌ماند رویکرد و سیاست تمدنی ایرانی نخواهد بود.

بله و ما در هر دو دچار بحران شده‌ایم و همه این تحولات و وقایعی که ملاحظه می‌کنید، به دلیل فاصله‌گرفتن از نظام رویکرد تمدنی ایران است و معتقدم تنها راه حل بازگشت به «ایده ایران» است. چون نظام معرفتی ما مبتنی بر توحید و ایمان به غیب است. قرآن می‌فرماید قولوا لا اله الا الله تفلحوا، دین چیست؟ فطرت الله التي فطر الناس علیها، بازگشت به فطرت انسانی. الاّن شما کمتر راجع به مفهوم فطرت در ایران می‌شنوید، فطرتی که در واقع نقطه آدمی را مخاطب قرار می‌دهد که کلا نظم طبیعی را تبیین می‌کند.

در نظام فطرت است که شما حق ندارید به محیط زیست آسیب بزنید. محیط زیست بخشی از فطرت و طبیعت است. این همان جایی است که ما با مفهوم فناوریانه مدرنیته درگیر می‌شویم. در عالم مدرن، انسان حاکم بر طبیعت است، ولی در آموزه فطری، انسان بخشی از طبیعت است. تنزل هر مسئله زیستی به یک پروژه فناوریانه و تکنیکی به منظور حکومت بر طبیعت از منظر معرفتی تخطی از

توحید و از منظر اجتماعی عدول از نظم اجتماعی مبتنی بر تمدن ایرانی است. بدین جهت است که این می‌گویم باید برگردیم به ایده ایران. اساسا مبنای ایده ایران، بر این است که انسان بخشی از فطرت، طبیعت و آفریده خدا است و این آفریده هیچ حکومتی بر بقیه آفریده‌ها ندارد. بلکه باید در کنار آنها قرار گیرد و در حد مجاز ناموس طبیعت از آنها بهره برد. تصرف انسان در طبیعت نباید مآورای طبیعت است. مثلا آن اشاره به دروغ که داروش می‌گوید – در دعای خود که می‌گوید خدایا این ملت را از دروغ محفوظ نگه‌دار- آن دروغ صرفا به مفهوم لفظ دروغ و کذب نیست بلکه به مفهوم تخطی و تعدی به نظم آفرینش و فطرت است که بحث مفصلی است و بیش از این به آن نمی‌پردازم. در حوزه اجتماعی هم اگر بنا باشد که رواداری در این حد حداقلی‌اش باشد که به‌طور عمده محصور شود به ایران مرکزی، آشکار است که کشور دچار چالش می‌شود. در بحث مبادله، اگر مبنا بر سهوت‌تاهم و تحدید گذاشته شود، هرگونه مبادله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، در واقع این سیاست عدول از حوزه هویتی و تمدنی ایران است. امکان مبادلات مالی با جهان دچار تنش می‌شود، مسئله FATF به وجود می‌آید و... درحالی‌که اگر مبنا، نظم اجتماعی مبتنی بر تمدن ایران بود، اصل سیاست‌گذاری می‌شد حل مشکلات مبادله با جهان. ولی چون از آموزه‌های تمدنی عدول شده است، ایجاد مانع، ارزش می‌شود و مورد ستایش قرار می‌گیرد و رفع مانع، ضد ارزش، این دقیقا برخلاف ارزش‌های تمدنی و نظام معرفتی ماست.

**ک**به نظر شما در وضعیت کنونی، هیچ تراحمی میان مذهب و حوزه تمدنی ایرانی وجود ندارد، بلکه ناشی از برداشت‌های نادرستی است که برخی نسبت به هویت ایرانی دارند؟

بستگی دارد که چه تعریفی از مذهب و به‌ویژه نحوه کاریست آن در حوزه سیاسی و اجتماعی داشته باشیم. به گفته مرحوم مطهری اگر رویکرد خوارجی نداشته باشیم و بین دین و تعقل فاصله نیندازیم، تراحمی بین این دو نیست. ولی، با رویکرد خوارجی حتما این تراحم وجود دارد. من بحثم این است که ما در ایران، مفهوم هویتی خود را فراموش کرده و دچار چالش هویتی شده‌ایم. از رفتارهای اجتماعی می‌توانیم هویت را مهندسی معکوس کنیم. ببینید نظم اجتماعی در یک ملت چگونه است؟ یک توضیح مقدماتی درباره هویت بدهم. شما وقتی می‌خواهید هویت را تعریف کنید، مهم این است که چه سوآلی فراروی هویت قرار می‌دهید. یک بار این است که می‌پرسید هویت چیست؟ اینجا شما از چیستی هویت می‌پرسید و سوآلتان فلسفی است. ولی، یک بار از چگونگی هویت و تأثیر آن در شکل‌دهی رفتار اجتماع می‌پرسید. این‌بار سوآلتان جامعه‌شناسانه است. ما چون درباره سیاست و سیاست‌گذاری صحبت می‌کنیم من با رویکرد چگونگی به هویت نگاه می‌کنم، نه چیستی. با ایسن رویکرد من هویت را به مثابه نقش و مسئولیت تعریف می‌کنم. این به این معنی است که نقش و مسئولیتی که من در برابر جامعه و لایه‌های مختلف آن از خانواده، حرفه، ملت و جامعه جهانی می‌پذیرم، متأثر از هویت من است. حال این هویت می‌تواند در سطح فردی، حرفه‌ای و ملی تعریف شود. خب، بیش از این، این بحث را تفصیل ندهیم. حال، با این رویکرد تمام رفتارهای فردی و جمعی ما اعم از رفتار خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معلول هویت است.

ادامه در صفحه ۳

## روزنه

## مهره طبری برای شناسایی طعمه‌ها که بود؟

● نهمین جلسه رسیدگی به اتهامات اکبری طبری و دیگر متهمان به ریاست قاضی بابایی در حال برگزاری است. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، در ابتدای جلسه، قاضی ضمن اعلام رسمیت جلسه از نماینده دادستان خواست در جایگاه قرار گیرد.

قهرمانی، نماینده دادستان، در جایگاه قرار گرفت و درباره پرونده متهم طبری درخصوص دریافت رشوه گفت: طبری در ذیل شبکه‌های مختلف خود، پیگیر شناسایی افراد پرونده‌دار قضائی بود تا نفوذ در آنها، ارتشاهایی داشته باشد. در این میان فردی به نام محمد انوشه که به واسطه دستگیری طبری از کشور متواری شده است، وظیفه شناسایی طعمه در شبکه طبری را داشت. انوشه، افراد پرونده‌دار در دستگاه قضائی را که به لحاظ مالی پرمیانه بودند، شناسایی می‌کرد.

او در ادامه به مصداق‌هایی از نفوذ طبری در برخی پرونده‌های قضائی به واسطه انوشه اشاره کرد و گفت: در یکی از ملاقات‌ها، طبری به یکی از متمولین که پرونده قضائی داشته است، گفت انوشه خود من هستم و تمام کارها را باید با انوشه هماهنگ کنید. قهرمانی ادامه داد: در یکی از موارد، فردی به انوشه وصل می‌شود و با انوشه نزد بازپرس می‌روند. انوشه در چند مرحله نزد بازپرس می‌رود و در مرحله اول می‌گوید دیگری انوشه نزد بازپرس می‌رود و می‌گوید وقتی از آقای طبری گرفتیم که خدمت او برسد و اگر خواسته‌ای دارید، مطرح کنید. قهرمانی خطاب به طبری گفت: شما چه‌کاره بودید که این کار را می‌کردید؟

**طبری طعمه‌هایش را ره‌انمی‌کرد**

در ادامه نماینده دادستان می‌گوید: بازپرس درخواست کرد که این اجابت نمی‌کند. انوشه بار دیگر می‌آید و می‌گوید ماشین جلوی در است، اگر خواسته‌ای دارید، نزد آقای طبری بروید که خواسته شما را اجابت کند. در نهایت بازپرس خواسته انوشه را انجام نمی‌دهد. قهرمانی درباره اینکه طبری در ازای فعالیت خود چه چیزی دریافت کرده است، گفت: طبری در این رابطه اموالی را به دست آورده است. قهرمانی گفت: انوشه هم در همین راستا دریافتی‌های زیادی داشته است. برخی افرادی که به انوشه و طبری برای پرونده‌های قضائی وصل می‌شدند، جمله نفیسی دارند و می‌گویند ما دیگر بی‌تاب شدیم؛ وقتی طبری به ما وصل شد، ما نمی‌توانستیم از طبری رها شویم، ولی او ما را رها نمی‌کرد.

در ادامه جلسه دادگاه، قاضی خطاب به متهم طبری گفت برای ادای توضیحات در جایگاه قرار گیرد. طبری مدعی شد: انوشه کارمند نهاد ریاست جمهوری و به اصل کارمند سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بوده است. املا او را می‌شناختم، نماینده دادستان از طبری پرسید: چرا زمانی که شما دستگیر شدید، انوشه از کشور خارج شد؟ طبری گفت: نه، قبل از بازداشت رفت. نماینده دادستان گفت: انوشه چهارم مرداد ۹۸ از کشور خارج شد و شما ۱۷ تیر دستگیر شدید.

در ادامه طبری درباره برخی اتهامات موجود در پرونده از جمله پرداخت رشوه ۴۰۰میلیون تومانی، اعمال نفوذ با سوءاستفاده از روابط خصوصی با مستخدمین دولتی و اعمال نفوذ در پرونده داوود سرخوش، دفاعیاتی را ارائه داد. قاضی بابایی پرسید: چه آشنایی با سرخوش داشتی؟ متهم طبری گفت: یک بار او را دیدم و هیچ مرادوه مالی نداشتم و ۴۰۰ میلیون را از مشایخ گرفتم. از شخصی شکایت داشت که به او گفتم باید به سازمان بازرسی مراجعه کنی. قاضی گفت: بر اساس ردیابی مالی انجام‌شده، چکی که از سوی سرخوش صادر شده بود، توسط مشایخ برداشت شده و به حساب شما واریز شده است. متهم طبری گفت: بله هر چهار قهره این‌گونه بوده است. قاضی گفت: اظهارات سرخوش را قبول دارید؟ متهم طبری افزود: اصلا ندیده‌ام. قاضی گفت: سرخوش در اظهاراتش گفته که مبلغ دومیلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان از شهرداری طلب داشتم و موضوع را به طبری گفتیم که چه پاسخ داد هزینه دارد و باید ۴۰۰ میلیون تومان بدهی که سرخوش قبول کرده است. متهم طبری پاسخ داد: نظری ندارم و یک بار بیشتر سرخوش را ندیدم. بیان تکمیلی در این بحث را وکلیم ارائه می‌کند.

قاضی از متهم مشایخ خواست در جایگاه حاضر شود و خطاب به متهم مشایخ گفت: درخصوص اتهام تفهیم‌شده به طبری و ۴۰۰ میلیون تومان توضیح دهید. متهم مشایخ گفت: سال ۸۸ دو چک به من دادند که آن را وصول کنم؛ از متشا چک اطلاعاتی ندارم و صدوقی و سرخوش را نمی‌شناسم و مبلغ را به طبری دادم. وی خطاب به طبری ادامه داد: می‌گویند با نجفی مشکل داشتم، این صحبت‌ها چیست؟ هم من را خراب می‌کنید و هم رفیقان را؛ حداقل حقیقت را بگویید. من اصلا نمی‌دانستم این ۴۰۰ میلیون تومان برای چه کسی است.

ادامه در صفحه ۳